



۱۲۳

سوسیالیسم امروز

۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۰ آوریل ۲۰۲۰

S_zijji@yahoo.se

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

سلام زیجی



بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران
در باره روز جهانی طبقه کارگر
(۲۰۲۰-۱۳۹۹)

**اول مه، روز اعلام همبستگی
طبقاتی و نه سوسیالیستی به
نظام سرمایه داری!
روز اتحاد و اعتراض صف
مستقل کارگری علیه نظام
فاشیست اسلامی!**

صفحه ۴

- سرمایه داری ترازنامه عملی، - ارکان سرمایه داری

نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلبه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریزناپذیر این نظامند. سخنگویان بورژوازی در انکار این حقیقت، خاطر نشان میکنند که این مصائب را سرمایه داری ابداع نکرده است، که همه اینها مقدم بر سرمایه داری وجود داشته اند، که استثمار و تصاحب دسترنج تولید کنندگان، استبداد، تبعیض، ستمکشی زن، جهل و خرافه و مذهب و فحشاء کمابیش به قدمت خود جامعه بشری اند.

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که اولاً، همه این مصائب و محرومیت ها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در انتهای قرن بیستم، نظام اقتصادی انتهای قرن بیستم است. استبدادها و دیکتاتوری های خونین، جنگها، مردم کشی ها و سرکوب و اختناق که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، حکمت خود را از نیازها و ملزومات نظام حاکم بر جهان

صفحه ۲

پیام سلام زیجی به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

صفحه ۱۲

گفتگوی سوسیالیسم امروز

با چند فعال سیاسی مقیم داخل و خارج کشور در باره
رفع قرنطینه و سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی

صفحه ۷

مصطفی سلیمی با همکاری جمهوری اسلامی و "حکومت کوردی" اعدام شد!

صفحه ۱۱

اطلاعیه در محکومیت حمله جنایتکارانه ترکیه به کمپ پناهندگان مخمور در کردستان عراق

صفحه ۱۱

لینک گفتگو ها در باره:

- دستمزد بردگی سال ۹۹
- سیاست رفع قرنطینه
- تحویل دادن و اعدام
مصطفی سلیمی

اطلاعیه سلام زیجی

جهت اطلاع عموم
و درخواست همیاری
و همفکری

صفحه ۱۰

کارگران جهان متحد شوید!

ارکان سرمایه داری

جامعه معاصر بدون شک جامعه پیچیده و مرکبی است. میلیاردها انسان در روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی گسترده و متنوعی در فعل و انفعال دائمی با یکدیگر قرار گرفته اند. تکنولوژی و تولید ابعاد غول آسایی یافته اند، حیات فکری و فرهنگی بشر امروز، همچنانکه مسائل و مصائب او، وسیع و متنوع است. اما این پیچیدگی ها صرفاً حقایق ساده و قابل درکی را که مبنای اقتصادی و اجتماعی جهان سرمایه داری را تشکیل میدهد از نظر دور میدارند.

اساس نظام سرمایه داری نظیر هر نظام طبقاتی دیگر، استثمار تولید کنندگان مستقیم است، یعنی تملک و تصاحب بخشی از محصول کار و تولید آنها توسط طبقات حاکم. ویژگی هر نظام اجتماعی در ادوار مختلف در طول تاریخ در روش خاصی است که در هر یک از آنها این استثمار صورت میگیرد. در سیستم برده داری نه فقط محصول کار برده، بلکه کل وجود او به مالک وی تعلق داشت. برده برای مالک کار میکند و در مقابل توسط او زنده نگاهداشته میشود. در نظام فئودالی رعیت بخشی از محصول خود را به مالک و ارباب تحویل میدهد و یا ساعات و روزهایی را برای او بیگاری میکند. استثمار در نظام سرمایه داری بر اساس کاملاً متفاوتی استوار است.

اینجا تولید کنندگان اصلی، یعنی کارگران، آزادند. به کسی تعلق ندارند، زانده ملک و زمین و تحت انقیاد اربابی نیستند. مالک و صاحب اختیار جسم خود و نیروی کار خود هستند. اما کارگران در این نظام از یک لحاظ دیگر نیز "آزاد" اند. آنها مالک هیچ نوع وسائل کار و تولیدی نیستند. و لذا برای تامین زندگی خویش ناگزیرند در ازاء مزد نیروی کار خویش را برای مدت معین به طبقه سرمایه دار، یعنی اقلیت کوچکی که وسائل تولید را در تملک و انحصار خود دارد، بفروشند و سپس وسائل معیشت و زندگی خود را، که خود تولید کرده اند، در بازار از سرمایه دار بخرند. جوهر سرمایه داری و اساس استثمار در این نظام کالا بودن نیروی کار از یکسو و مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار بر وسائل تولید از سوی دیگر است. وجود جامعه بشری، نفس بقاء انسان و تامین نیازهای او، تحت هر نظامی، بدون آنکه نیروی کار زنده انسانها وسایل و ابزار کار را به خدمت بگیرد و محصولات جدید بیافریند قابل تصور نیست. اما نیروی کار و وسائل تولید در نظام سرمایه داری با دیوار مالکیت خصوصی از هم جدا شده اند. کالاهایی هستند که مالکان آن باید در بازار با هم روبرو شوند. ظاهر امر اینست که صاحبان این کالاها در بازار وارد یک معامله برابر و آزاد میشوند. کارگر نیروی کارش را برای ساعات معینی به سرمایه دار، یعنی صاحب وسائل تولید، میفروشد و در ازاء آن مزد میگیرد. سرمایه دار، نیروی کار را به خدمت میگیرد، مصرف میکند، و محصولات جدید تولید میکند. این کالاها در بازار فروخته میشوند و پول حاصله بعنوان سرمایه دور تولید را از نو آغاز میکند.

اما، در پس معامله بظاهر برابر کار و سرمایه، یک نابرابری بنیادی نهفته است که سرنوشت کل بشر امروز را رقم میزند و رهایی و آزادی جامعه بدون خلاصی از آن امکان پذیر نیست. کارگر با مزد صرفاً آنچه فروخته است، یعنی توان کار کردن و حضور مجدد در بازار کار، را از نو بدست میآورد. طبقه کارگر با کار هر روزه تنها کارگر بودن خود، و بقاء خود بعنوان فروشنده هر روزه نیروی کار را تضمین میکند. اما سرمایه در این جریان انباشت میکند و افزایش می یابد. نیروی کار یک نیروی خلاق است. برای خریدارش ارزش جدید تولید میکند. ارزش محصولات و خدماتی که در هر نوبت توسط طبقه کارگر تولید میشود بیش از مجموع سهم خود وی و بخشی از تولید است که صرف بازسازی وسائل تولید مستهلک شده و مصرف شده میگردد.

سرمایه داری ترانزنامه عملی، ...

امروز میگیرد و به منافعی در همین جهان خدمت میکند. فرودستی زن امروز در کل پهنه جهان، محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و اجتماعی و ارزش های اخلاقی جامعه امروز است.

ثانیا، این بورژوازی و نظام سرمایه داری است که دائماً به سرسختانه ترین وجه با تلاش هر روزه توده های وسیع مردم در چهارگوشه جهان برای فاتح آمدن بر این مشقات و محرومیت ها و عقب ماندگی ها مقابله میکند. تلاش هر روزه کارگر برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی و حقوق مدنی توده وسیع مردم با مانعی جز بورژوازی و دولت ها و احزاب و مبلغینش روبرو نیست. خیزش های توده های وسیع مردم در مناطق عقب مانده و محروم برای دخالت در سرنوشت خویش، بعنوان اولین مانع با نیروی قهریه بورژواهای محلی و بین المللی روبرو میشود. دولت، نهاد مذهب، رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی عظیم بورژوازی، سنت ها و اخلاقیات و نظام تربیتی و آموزشی طبقه حاکمه سازنده ذهنیت های عقب مانده، متعصب و تبعیض گر در بین توده مردم و نسلهای پی در پی است. جای تردید نیست که این سرمایه داری و بورژوازی است که سد راه نقد و تغییر جهان امروز توسط میلیون ها انسانی است که نه فقط از نظام موجود به تنگ آمده اند بلکه کمابیش خطوطی را که یک جامعه شایسته انسان باید بر طبق آن سازمان یابد شناخته اند.

امروز، در انتهای قرن بیستم، در اوج جهانی شدن سرمایه و سرمایه داری، در دل عظیم ترین انقلابات تکنولوژیکی، بشریت در یکی از خطرناکترین دوره های تاریخ خود سیر میکند. مساله بقاء فیزیکی معضل میلیون ها انسان از کشورهای فقر زده آفریقا و آسیا تا قلب پایتخت های اروپای غربی و آمریکاست. امید توسعه اقتصادی جوامع عقب مانده دیگر به تمامی به یاس مبدل شده است. رویای رشد جای خود را به کابوس دائمی قحطی و بی غذایی و بیماری داده است. در اروپا و آمریکای پیشرفته بدنبال سالها رکود عمیق اقتصادی، نوید نیم بند "رونق بدون اشتغال"، عینا همین کابوس را جلوی دهها میلیون خانواده کارگری گرفته است. جنگ و مردم کشی در ۵ قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و فرهنگی در جریان است، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیون ها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار آزاد. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به یک واقعیت پابرجا در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روز افزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها یک معضل عظیم و لاینحل بین المللی است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. در این میان متفکرین و سخنگویان بورژوازی حتی مدعی ارانه پاسخی در قبال این اوضاع نیستند. این واقعیت عملی سرمایه داری امروز است که آینده بسیار هولناکی را پیشروی کل مردم جهان گرفته است.

ایران سوسیالیست
 iransocialist2017@gmail.com
 www.simroz.org

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سرمایه داری ترانزنامه عملی...

این ارزش اضافه، که خود را بصورت انبوهی از کالاها نشان میدهد، به اعتبار مالکیت طبقه سرمایه دار بر وسائل تولید بطور اتوماتیک به او تعلق دارد و بر حجم سرمایه اش میافزاید. نیروی کار در مبادله با سرمایه تنها خود را بازتولید میکند. حال آنکه سرمایه در مبادله با نیروی کار رشد میکند. قدرت خلاقه نیروی کار و فعالیت آفریننده طبقه کارگر، خود را بصورت زایش سرمایه جدید برای طبقه سرمایه دار منعکس میکند. هرچه طبقه کارگر بیشتر و بهتر کار کند، بر اقتدار سرمایه افزوده میگردد. قدرت غول آسای سرمایه در جهان امروز و سلطه روز افزون آن بر حیات اقتصادی و سیاسی و فکری میلیاردها ساکنین کره ارض، چیزی جز انعکاس وارونه قدرت خلاقه کار و بشریت کارگر نیست.

به این ترتیب استثمار در جامعه سرمایه داری، بدون طوق و زنجیر آهنین بر گردن و دست و پای تولید کنندگان، از مجرای بازار و مبادله آزاد و برابر کالاها صورت میگیرد. این ویژگی اساسی سرمایه داری است و ماهیت آن را از همه نظام های پیشین متمایز میکند. کل ارزش اضافه حاصل از استثمار طبقه کارگر اساسا از طریق بازار و نیز از مجرای سیاستهای مالی و پولی دولتها میان بخش های مختلف طبقه سرمایه دار تقسیم میشود. سود، بهره و اجاره اشکال عمده سهم بری سرمایه های مختلف از ماحصل این استثمار طبقاتی است. رقابت سرمایه ها در بازار مقدار سهم هر شاخه و هر واحد و بنگاه سرمایه داری را تعیین میکند.

اما کار به اینجا ختم نمیشود. کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوایی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست میکنند، از همین منبع تامین میشود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روز افزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را میپردازد.

با انباشت سرمایه دائما بر حجم انبوه کالاهایی که ثروت جامعه بورژوایی را میسازند افزوده میشود. رشد دائمی و پرشتاب تکنیک و افزایش حجم و قدرت ابزارها و وسائل تولیدی که طبقه کارگر در هر حلقه جدید تولید به حرکت در میآورد، نتیجه اجتناب ناپذیر روند انباشت سرمایه است. اما در قیاس با ابعاد گسترش ثروت و قدرت تولیدی جامعه، طبقه کارگر مداوما بطور نسبی محروم تر میگردد. علیرغم افزایش تدریجی و محدود قدر مطلق سطح زندگی کارگران لاقدر در کشورهای صنعتی پیشرفته، حقیقت اینست که در جریان انباشت سرمایه نسبت سهم طبقه کارگر از کل ثروت جامعه، به سرعت سقوط میکند و شکاف میان سطح زندگی طبقه کارگر با استانداردهای مقدر آسایش و رفاه، که به تلاش خود او ممکن شده اند، عمیق تر میشود. هر قدر جامعه ثروتمند تر میشود، کارگر بخش محرومتری را در آن تشکیل میدهد.

بهبود تکنیک و افزایش بارآوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفا کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و

بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساسا به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

بحران های اقتصادی ادواری با عواقب وخیم و خانمان برانداز اقتصادی و اجتماعی، جزء اجتناب ناپذیر نظام سرمایه داری هستند. این بحران ها اساسا از یک تناقض بنیادی در بطن خود پروسه انباشت سرمایه مایه میگیرند: در حالی که کار منشاء سود و ارزش اضافه است، روند انباشت سرمایه و رشد ناگزیر تکنیک، دائما از نسبت نیروی کار در قیاس با وسائل تولید میکاهد. ارزش اضافه تولید شده، حتی اگر از نظر قدر مطلق افزایش پیدا کند، بطور عادی نمیتواند متناسب با افزایش دائمی سرمایه پیش ریخته رشد کند. نرخ سود سرمایه، بنا به قوانین مادی خود روند انباشت، لاجرم گرایش به نزول دارد. تکاپوی دائمی برای خنثی کردن این گرایش و حفظ نرخ سود بخصوص از طریق تشدید استثمار و کاهش سهم طبقه کارگر از ثروت جامعه، که به شکل مزد و خدمات اجتماعی و غیره پرداخت میشود، امر هر روزه طبقه سرمایه دار و دولت های رنگارنگش و نیز قشر وسیع متفکرین اقتصادی، مدیران و متخصصان بورژوا در سراسر جهان است.

علیرغم همه این تلاش ها، تضادهای درونی سرمایه و گرایش نزولی نرخ سود هربار بالاخره خود را دیکته میکنند و کل نظام اقتصادی به یک بحران عمیق فرو میرود. دوران رکود و بحران نه فقط نشانه و عارضه حدت یافتن تناقضات درونی سرمایه است، بلکه مکانیسم عملی تخفیف آن و بازسازی سرمایه نیز هست. رقابت میان اقشار سرمایه شدت مییابد و بسیاری به ورطه ورشکستگی کشیده میشوند. این در عین حال سرمایه های ضعیف تر را از دور خارج میکند و شرایط سودآوری را برای آنها که باقی میمانند مناسب تر میکند. از طرف دیگر طبقه سرمایه دار و دولت های آن در کشورهای مختلف هجوم وسیعی را در اشکال مختلف به سطح زندگی طبقه کارگر آغاز میکنند. بر تعداد بیکاران به شدت افزوده میشود و استثمار کل طبقه کارگر تشدید میشود.

سرمایه از دل هر بحران متمرکز تر بیرون میآید و لاجرم بحران بعدی با ابعاد گسترده تر و عمیق تری ظاهر میشود و رقابت و کشمکش حاد تری را در درون خود طبقه سرمایه دار باعث میشود. تخفیف هر بحران جدید بازسازی همه جانبه تری را برای سرمایه ضروری میکند. و به همین نسبت دورنمایی که بورژوازی هربار در برابر جامعه قرار میدهد تاریک تر و هولناک تر میشود.

عواقب و عوارض تضادها و بحران های نظام سرمایه داری به قلمرو اقتصادی محدود نیست. جنگ های خانمان برانداز در ابعاد جهانی و پلیسی و استبدادی، سلب حقوق مدنی و سیاسی مردم و بویژه طبقه کارگر، بالا گرفتن تروریسم دولتی و سازمان های راست افراطی، اوچگیری تبلیغات و فشارهای واپسگرایانه مذهبی، ناسیونالیستی، نژادپرستانه و ضد زن، اینها خصوصیات بارز سرمایه داری معاصر بویژه در دوره های بحران است.

(از برنامه "یک دنیای بهتر"، برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره روز جهانی طبقه کارگر (۲۰۲۰-۱۳۹۹)



اول مه، روز اعلام همبستگی طبقاتی و نه سوسیالیستی به نظام سرمایه داری! روز اتحاد و اعتراض صف مستقل کارگری علیه نظام فاشیست اسلامی!

گرفته تا اروپایی "مدرن" و تا آسیایی مرکز تحمیل کننده ارزانترین نیروی کار به کارگران و تا دیگر کشورهای اسلام زده و خرافی و مرتجع در خاورمیانه و منطقه.

سالی که گذشت متأسفانه باز هم سال نظام سرمایه داری و حاکمیت دولتهای حافظ این مناسبات و نظام استثمارگر و ضد انسانی بود. سالی باز هم مملو از درد و رنج شهروندان و تعرض افسارگسیخته به حقوق اولیه کارگران، سال گسترش بیکارسازیها و تحمیل فقر هر چه بیشتر، سال تداوم مانور و قلدری نظامی و جنگ و تروریسم و وحشی گری حاکمان سرمایه داری و حامیان ریز و درشت آنها بود، که بجز سرکوب و تحمیل بیحقوقی و تعرض به کارگر و سوسیالیسم و انسانیت، و بجز از بین بردن جان و زندگی چند برابر بیشتر از ویروس کرونا، هیچ دستاوردی برای بشریت نداشته است.

در این دوره، اما شیوع ویروس کرونا بیش از هر زمانی ضدیت و تناقض چنین نظامی، که از هر نظری در اوج سودبری و ثروت اندوزی اقتصادی و دستیابی به تکنولوژی و علم پزشکی قرار دارد، با منافع اولیه کارگران و اکثریت شهروندانی که همواره قربانیان ردیف اول این نظام استثمارگر بوده اند بر ملاتر و ملموس تر کرد. این نظام، که برای انهدام چند باره کره زمین دارای انواع تسلیحات کشتار جمعی و از ظرفیتهای نظامی و آدمکشی بسیار بالایی برخوردار است، نهایت ذبونی و بیگانگی و ناتوانی خود را در مقابله با شیوع یک ویروس نه تنها نشان داد که باز هم هزینه های سرسام آور بحران اقتصادی و اجتماعی ناشی از آنرا، نه بر دوش نظام فاسد سرمایه داری و اقلیت میلیاردرهای حاکم و دولتشان، بلکه روی دوش طبقه کارگر و توه های زحمتکش و کم در آمد سرشکن کرده اند. این چهره عریان سرمایه داری است!

اخراج و بیکار سازی در ابعاد صدها میلیونی در اقص نقاط جهان، مجبور کردن کارگران و مردم آسیب دیده به کار کردن در این شرایط هولناک، تلاش برای تحمیل دستمزدهای باز هم کمتر برای کارگران شاغل باقیمانده، بی توجهی آشکار و حتی عامدانه به مرگ بیشمار از سالمندانی که همه عمرشان را برای ساختن این جهان وارونه ساخته اند، و اینکه حتی در جستجوی کسب سود بیشرمانه از راه "خلاصی از حقوق باز نشتگی" ای که مال خود سالمندان و باز نشتگان است، و دیگر موارد مشابه گویایی ماهیت واقعیت سرمایه داری و چگونگی "حل بحرانهای اقتصادی" اش از کانال این نوع سیاستهای ضد انسانی میباشد. سیاستی که هیچگاه منافعی با منافع کارگران و اکثریت جامعه در یک مسیر قرار نگرفته است و قرار نخواهد گرفت! دولتهای بورژوائی رقابت "اختصاص بودجه برای مقابله با کرونا" را به نمایش گذاشتند، در حالی که دیدیم این بودجه و واریز کردن پولهایی انبار شده ناشی از کار و تلاش میلیاردها کارگر و انسانهایی گرسنه، اساساً برای نجات بحران سرمایه داری و کارخانجات و شرکتهای بزرگ سرمایه داری هزینه شده است، و سهم اکثریت شهروندان آسیب دیده از آن اخراج و بیکارسازی و گسترش فقر، و رفع قرنطینه در جهت به حرکت در آمدن مجدد تولید و سود آفرینی به قیمت قربانی کردن دوباره جان صدها هزار کارگر و کارکن زحمتکش است. این است سهم واقعی ما از "کمکهای" دولتهای سرمایه داری از امریکایی تحت حاکمیت دمکراسی و فاشیسم ترامپ

ایران تحت حاکمیت بورژوائی و جمهوری اسلامی، یکی از نمونه های بارز توحش و جنایت و استثمار دولتهای حاکم سرمایه داری در جهان است. در دوره ویروس کرونا از روز اول و پنهانکاری آن تا امروز که پایان قرنطینه از جانب دولت فاسد اسلامی اعلام شده است، تنها چیزی که پیشیزی ارزش نداشته و ندارد جان و امنیت کارگران، پزشکان و پرستاران، کارکنان، سالمندان و اکثریت شهروندان است. پدیده ویروس کرونا نیز با قاحت تمام بیش از هر کشور دیگری به عنوان یک "نعمتی الهی" و هدفمند سیاسی و غیر انسانی از جانب حکومت اسلامی مورد سوه استفاده و مهندسی شده قرار گرفته است. که اولاً جنایتهای عظیم و بحرناهای جمهوری اسلامی را لاپوشانی کنند، ثالثاً به این بهانه راه برای یورش گسترده باز هم بیشتر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی علیه طبقه کارگر و جامعه متنفر از این رژیم را برای جمهوری اسلامی و کلیت نظام ضد انسانی سرمایه داری در ایران هموارتر کنند. در این شرایط بیش از هر سالی زندگی ده میلیون کارگر و خانواده کارگری را به بازی گرفته و ضمن رها کردن افسار سرمایه داران برای بیکار سازیهای گسترده و بدون مانع بطور یکجانبه حداقل دستمزد (۷۵ دلار در ماه) به معنای دقیق کلمه بردگی را به کارگران تحمیل و به تصویب رسانده اند. بر اساس آمارهای رسمی دولتی و اعلام خط فقر اعلام شده از جانب کمیته مزد

ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

بیانیه روز کارگر حزب سوسیالیست انقلابی...

شورای عالی کار و دیگر اظهارات مقامات رژیم اسلامی، که خط فقر را حتی بالای ۸ میلیون تومان اعلام کرده بودند، این دهن کجی و تعرض به طبقه کارگر را بدون مقاومت کافی و با سو استفاده از شرایط حاکم قرنطینه به دروغ تحت عنوان "افزایش ۲۱ درصدی"، در حقیقت به نسبت حداقل دستمزد سال ۹۸ نیز چندین برابری آنرا کاهش داده و زندگی ۶ برابر زیر خط فقر را به طبقه کارگر تحمیل کرده اند.

ضدیت با کارگر و سوسیالیسم و آزادی و برابری در ایران فقط ویژه جمهوری جانی اسلامی نیست!، نه فقط دولت و طبقه حاکمه که حتی بقیه شاخه های رنگارنگ بورژوازی اعم از پوزسیون و اپوزسیون، شونیسیم و ناسیونالیسم، شیعه و سنی، ملی گرا و اصلاحگرا، سلطنت طلب و فدرالیست خواه دقیقاً همان سنت و سیاست و آینده ی ضد انسانی، ضد کارگری، ضد رفاه و خوشبختی و ضد آزادی و برابری را نمایندگی میکنند. همه اینها مانند جمهوری اسلامی طرفداران جدی نظام پر از جنایت و جنون سرمایه داری و ارکانهای ایدئولوژیکی و خرافی این نظام طبقاتی و ابزارهای سرکوب و تحمیل جامعه هستند. طبقه کارگر ایران بدون آگاهی بر این واقعیتها و مقابله کردن جدی با آن، بدون جدا کردن صف خود با این صف ارتجاعی بورژوازی، بدون بدست گرفتن

محکم سیاست و پرچم و آلترناتیو سوسیالیستی قادر به رهایی از شرایط فلاکت بار تحمیل شده بورژوازی ایران و دولت و اپوزسیون این طبقه فاسد و دزد و استثمارگر نخواهد شد!

اول ماه مه روز جهانی کارگر است! و یعنی نه گفتن به همه آن دولت و طبقه و احزاب و جنبشهای دست راستی در پوزسیون و اپوزسیون!، یعنی روز نه گفتن سوسیالیستی به نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی!، یعنی روز تعمق به این حقیقتهای تلخ و درد آور: تاکی ستم و استثمار و نابرابری؟، تاکی نسل بعداز نسل مرگ و کار؟، تاکی کودکان کار و خیابانی؟ تاکی کولیری؟ تاکی تحقیر کارگر؟ تاکی ممانعت از ایجاد تشکل و تحزب مستقل کارگری؟ تاکی ما اکثریت کارگران و زحمتکشان کار کنیم اما یک مشت سرمایه دار انگل، یک مشت خرافه پرست ملی گرا و مذهبی و عقب مانده و بازیچه دست سرمایه داران و زورگویان، یک مشت دولتیها و نظامیان سرکوبگر و مفت خور از قیل کار ما زندگی کنند؟ تاکی و چند سال دیگر باید روز جهانی کارگر را برگزار کنیم و مشغول طرح مطالبات بسیار اولیه و نازل باشیم؟، تاکی و چند بار دیگر و چند سال دیگر باید مبارزه و انقلاب و شورش و اعتراض کنیم اما حاصل آن باز به جیب طبقات دیگر برود. تاکی؟ تاکی؟ تاکی؟...؟؟. بیدار شو ای غول خفته!، بیدار شو تن خسته ات را از زیر آوار سرمایه داران فاسد بیرون بکش و سرود آزادی و برابری و سوسیالیسم را بر ویرانه های حاکمیت سرمایه داری و دولتهای فاشیست مذهبی و دمکراسی و ملی گرایی شان به صدا در بیاور و حاکمیت انسانی، شورائی و سوسیالیستی ات را اعمال کن!

رفقای کارگر!، رهبران پیشرو و سوسیالیستهای که نمیتوانند لباس خرافات ملی و دینی و حربه های اصلاح طلبانانه و سندیکالیستی و قانونگرایانه و دیگر مزخرفات سیرویس دهنده به بورژوازی بر تن تان بکنند، چرا نباید جنبشمان را بعداز این همه سال و این همه جان دادن و زجر کشیدن بتوانیم متشکل و متحزب و متحد و استوار و به هم

پیوسته در صف دهها میلیونی جنبشمان در ایران به سر انجام رسانید؟، اگر جنبش کارگری جنبشی مملو از اعتراض و تحرک و در جلو همه جنبشهای دیگر اجتماعی قرار دارد، که چنین است، چرا نباید توانست این جنبش و تحرک و اعتراض بیوقفه روزی از روزها به پدیده واحد و متشکل و رزمنده مدافع یکدیگر در همه مراکز تبدیل گردد؟ استبداد، فشار، حربه های سرمایه داران، و بازداشت و سرکوب که به قدمت روز جهانی کارگر و تاریخ نظام سرمایه داری وجود داشته، و در ایران ۴۱ سال تمام است داریم با گوشت و پوست و خون تجربه میکنیم و همچنان تا آنها در حاکمیت باشند این داستان دردناک ادامه خواهد داشت و ما قرار است با چنین واقعیت های بجنگیم و قدرت را از دستشان در بیاوریم! آيا نباید به ضعفهای خود، به ناآمدگی و عدم هوشیاری کافی خودمان و رهبران پیشرومان نیز به اندیشیم و راه عبور از آنها، که مانع جدی سر راه پیشروی و اتحادمان علیه سرمایه داران و جمهوری اسلامی است، پیدا کنیم؟. بیانید در روز جهانی کارگر به عمق درد آور این کمبودها به اندیشیم و صمیمانه برای رفع آن دست همبستگی طبقاتی دهها میلیونی خود را در هم گره بزنیم!



رفقا!، نباید اجازه داد دشمنان طبقه کارگر، اعم از دولتی و غیر دولتی و هر نهاد و جریانی که به نظام حاکم خدمت میکند به اسم ما کارگران سخن بگویند!، نباید به هیچ حزب و جریان دست راستی ملی و مذهبی و جنبشهای ملیگرا و مذهبی و احزاب به نام "کمونیست" ملی گرا و یوپولیست و حامیان "جنبش همه باهم"، "جنبش سرنگونی ایران"، "جنبش خلق کردستان"، "جنبش آذر بایجان" و دیگر عناوین مشابه ارتجاعی و ضد کارگری دیگر ما را به فریب خوردن دعوت کنند تا به بورژوازی و طبقه آنها خدمت کنیم، نه تنها نباید به هیچکدام از این نوحه های سرمایه داری پاسخ مثبت داد که رمز پیروزی و پیشروی ما از کانال جدا کردن سیاست و افق و صف خود از آنها میگذرد. رفقا! ما نباید به هیچ وجه در مراسم و نمایشهای دولتی، از جمله در هفته ضد کارگری، هفته کارگر رژیم اسلامی و هیچ راهپیمایی و اقداماتی که احزاب دست راستی و دولتها مبتکر و فعالش هستند شرکت نمود، بر عکس با صدای بلند باید همه شان را در روز جهانی کارگر رسواتر و طرد تر کرد.

رفقا و همزمان! متأسفانه بلائی ویروس کرونا نیز به بالای سرمایه داران و جمهوری اسلامی بر زندگی ما و تحرکات اول ماه مه امثال نیز افزوده شده است. اما این موانع نیز نباید بتواند راهی بکارگیری ابتکارات مفید و ممکن دیگر را برای به صدا در آوردن صدا ضد سرمایه دارانه ما کارگران مسدود و محدود کند. خواباندن کار در همه مراکز، برگزاری مراسمهای انترنتی در شبکه های اجتماعی، شروع تماس با همه مراکز کارگری و تامین و تجدید اتحاد طبقاتی مان، تولید میلیونها کلیپ کوتاه از جانب فعالین کارگری و کارگران و پخش آن در شبکه های اجتماعی از جانب بخشهای مختلف، تامین اتحاد طبقه برای نه گفتن به حداقل دستمزد بردگی سال ۹۹، دفاع از فعالین در بند، و.. حداقلهای اقدامات ضروری روز جهانی کارگر در این دوره کرونایی میتواند باشد. امروز بیش هر زمانی باید در اشکال مختلف فراخوان سوسیالیستی برای زیرورو کردن جهان ظالمانه سرمایه داری و ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را به صدا در آورد.

← ادامه

زنده باد اول مه، روز جهانی اعتراض و همبستگی طبقه کارگر!

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

بیانیه روز کارگر حزب سوسیالیست انقلابی...

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با وجود موانعهای واقعی و ویروس کرونا امیدوار است با بکارگیری دیگر ابتکارات کارگران و زحمکنتشان و صف آزادیخواهان، با رعایت اکید مخاطرات و ویروس کرونا، بتوانند متحدانه به استقبال اول مه با شکوه در همه مراکز کارگری و شهرهای ایران بروند! حزب در عین حال کل طبقه و رهبران سوسیالیست کارگری را فرامیخواند برای تدارک و رهبری کردن روند پیچیده و سخت سرنگونی تمام بساط جمهوری اسلامی و سرمایه داری در ایران بطور جدی خود را آماده کنند، اولین ملزومات آن تامین و تدارک صف مستقل و متشکل و متحزب طبقاتی خود در جدال طبقاتی سختی است که پیش روی خود داریم، و این مبارزه تنها با بدست گرفتن پرچم و آلترناتیو و افق روشن سوسیالیستی طبقه کارگر ممکن میگردد و قادر خواهد شد مسیر پیروزی اش را طی کند. حزب سوسیالیست انقلابی طبقه کارگر را به این مبارزه و به پیوستن به حزب خود، حزب سوسیالیست انقلابی ایران، فرامیخواند.

ما طبقه کارگر ایران را فرامیخوانیم که از هم اکنون تا روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی طبقه کارگر، متحد و یکپارچه پاسخ نه بزرگی را به تصمیم جنایتکارانه حداقل دستمزد سال ۹۹ دولت و سرمایه داران، که پنج تا شش برابر زیر خط فقر قرار دارد، بدهند. باید بتوانیم کل جنبش و طبقه مان را برای گرفتن حق حداقل دستمزد ۸-۹ میلیون، در روز جهانی کارگر، و تا تحقق این مطالبه سرنوشت ساز ادامه داد. همزمان با اعلام مخالفت با شروع بیکارسازیها، اعلام ممنوعیت اخراج، علیه نبود امنیت اقتصادی، و اعلام مخالفت با سیاست رفع قرنطینه از جانب جمهوری اسلامی، به عنوان اقدامات ضد کارگری و ضد انسانی قاطعانه باید ایستاد.

همینجا کل جامعه ایران و به ویژه جنبش های مترقی فرهنگیان، زنان، بازنشستگان، جوانان و پرستاران و صف آزادیخواهان را به حمایت بیدریغ از مطالبات طبقه کارگر و همراه شدن با اقدامات روز جهانی کارگر فرامیخوانیم. هر قدم پیشروی طبقه کارگر بلاواسطه به پیشروی کل جامعه از جمله جنبشها و بخشهای های مترقی و کارکن و زحمکنش جامعه در مقابله با ارتجاع سرمایه داری و جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. از همه شهروندان در شرایط کنونی قرنطینه در کشور میخواستیم در صبح روز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگران، به پاس احترام به تلاش طبقه کارگر، برای ادای احترام برای هزاران جانباخته این طبقه و در حمایت از مطالبات کارگران، و برای آزادی فعالین کارگری در بند، با برافراشتن پرچم سرخ، صدای خود را با طبقه کارگر همصدا کرده و در منازل خود مراسمهای اول مه خانوادگی گرفته و در شبکه های اجتماعی بطور زنده آنرا پخش نمایند.

نه به حداقل دستمزد بردگی تحمیلی سال ۱۳۹۹
زنده باد اول مه، روز جهانی اعتراض و همبستگی طبقه کارگر!
گرامی باد یاد کارگران و کودکان کار جانباخته
در شهرها و مراکز کار!
مرگ بر نظام سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!، زنده باد جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲۰ آوریل ۲۰۲۰
Iransocialist2017@gmail.com

فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران

نام:

نام خانوادگی:

محل سکونت:

شغل:

علل پیوستن به حزب:

سابقه فعالیت سیاسی:

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن:

ای میل:

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.
امضا...
تاریخ...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال
درخواست عضویت

www.simroz.org

زنده باد واحدهای
مقاومت انقلابی!
مرگ بر جمهوری
اسلامی!

آدرسهای تماس:

Iransocialist2017@gmail.com

S_zijji@yahoo.se

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفتگوی سوسیالیسم امروز با چند فعال سیاسی مقیم داخل و خارج کشور در باره رفع قرنطینه و سیاست ضد انسانی جمهوری اسلامی

اسایش و رفاه نبوده بلکه بیشتر مردم در خفقان غوطه ور شده اند. با در نظر داشتن قیمت های نابسامان در بازار بورس و قیمت واحد نفت خام و کسری بودجه به نظر نمی آید این رژیم هیچ برنامه ای برای بحران کرونا یا سایر مشکلات از جمله سیل و قحطی و زلزله داشته باشد. آنچه آشکارا پیداست این رجال فرتوت از درست کردن سپر انسانی برای رسیدن به امال بنیادگرایی و آشوب طلبانه در داخل و خارج هیچ ترس و واژه ای ندارند. و ارکان قدرت از جمله ی سپاه پاسداران به عنوان بازوی اصلی و اجرایی سابقه ی بس طویل و مملو از جنایت دارد. به طور قطع و یقین افشار اسیب پذیر (کارگران و...) ناگزیر از حضور در مکان کاری خود هستند و مجبور به قبول شرایط موجود. اما دولت روحانی بودجه ای برای جبران خسارت مالی برای دهک های کم درآمد ندارند. حتی با وجود ارسال کمک های بین المللی همچنان ناتوان از توزیع عادلانه آن بین افرانجامه هستند و رانت های نامرئی همیشه در چپاول حقوق و نیازهای اساسی یکه تاز میدان بوده و هستند و در نظر ندارند از دارایی های میلیاردی خامنه ای یک ریال برای مقابله با این بیماری در نظر بگیرند و دست رد به کمک های آمریکا و کشورهای دیگر می زند تا از این راه غیر انسانی جوامع بین الملل را مجبور به برداشتن تحریم ها و دسترسی دزدان حاکم بر دارایی و مبالغ میلیاردی و سرمایه گذاری در کشورهای دیگر باشد. حیات سیاسی این حکومت رو به زوال است و بحران کرونا تنها سوپاپ اطمینانی موقتی برای نفسی کوتاه مدت بعد از حوادث و کشتار ابدان ماه و سقوط هوایما و بسیاری از مشکلات دیگری بود که رژیم را به لبه سقوط سوق داده بود. بدون شک بدون حمایت رژیم های شرقی و آسیایی این رژیم چند صباح دوام نخواهد آورد. و انتظار مردم برای وصول مطالبات به حق مدنی و اجتماعی خود از طرف دولت سراسری بیش نیست و مردم با همصدایی و عزمی جدی و همگانی علیه رژیم اسلامی و مجبور کردن آنها برای هزینه کردن دارایی های جامعه و کمک های بین المللی برای مقابله با کرونا و تامین معیشت مردم نیاز دارند و آنها نباید فراموش کنند مسیبان کشتار و اعدام و .. در ۴ دهه حاکمیت سرمایه داران تحت حراست رژیم اسلامی و قشر اخوندی و امید فرجی هم به کشورهای دیگر یا نیروهای دیگر نداشته باشند و بانیروی اتحاد و همبستگی خود پس از گذار از کرونا با داشتن تشکل های منسجم و برنامه ی هدفمند صدای اعتراضات خود را به گوش جهانیان برسانند و آخرین نفس های بیمار و کرونایی این رژیم را برای همیشه قطع کنند.

کامران سهرابی: اوضاع جامعه ایران چه قبل از ویروس کرونا و چه بعد از آن سرتاسر آشفتگی، فقر، ناامیدی، بیکاری استبداد و اعدام بوده و هست. مردم سالهای زیادی با ویروسی کثیف تر و وحشیانه تر از کرونا دست و پا میزنند. ویروسی که آرامش و شادی و آزادی را از مردم گرفته و ذره ذره غیرت و کرامت و انسانیت را نابود کرد. با وارد کردن ویروس کرونا انهم عمدی و علنی باعث مرگ خیلی از شهروندان شد. وضعیت قشر زحمت کش کارگرو کم درآمد جامعه و افراد بیکار و حشتناک و دردآور است. فقر و تنگدستی بیداد می کند. ویروس کرونا پیامد های زیان آور ی داشته و مسئولین بی کفایت بدون در نظر گرفتن جان و مال و معیشت مردم هر روز دستور و قوانین مضحکی ارائه میدهند که فقط به ضرر مردم است. مردم را قرنطینه نمی کنند و آنها را به بازار و خیابان کشانده تا تلفات بیشتری داده شود و کادر بیمارستان و درمان را به کشتن بدهد و جامعه را بیشتر لوده کند .

ادامه

نشریه سوسیالیسم امروز: اوضاع ایران و پیامدهای ویروس کروناها را چگونه ارزیابی میکنید؟ جمهوری اسلامی و حسن روحانی می گویند شاید یک تا یک و نیم میلیون انسان هم بمیرند اما باید رفت سر کار، میگویند کارمندان دولتی چه خاتمه باشند چه سر کار دولت حقوقشان را پرداخت می کند اما کارگران و مزد بگیران باید سر کارهای خود بروند تا زندگی شان را بچرخانند!، تازه منظورش کدام زندگی است معلوم نیست! نظر شما در باره این دهن کجی و بی مسئولیتی و سیاست ضد انسانی حکومت اسلامی و و رئیس جمهورشان در قبال جان و امنیت شهروندان چیست؟ بنظر شما مردم چکار باید بکنند تا هم از عهده ویروس کرونا بر بیایند هم حق و حقوقشان را از حلقوم این نظام بیرون بکشند؟

ژوان ن: حکومت جمهوری اسلامی در طی ۴ دهه حضور خود ثابت کرده که توان یا تمایل مقابله با بلاهای طبیعی را ندارد (چون بجای مدیریت علمی و عملی مدیریت سیاسی و نظامی دارند) و بیشتر بودجه کشور را صرف اهداف نظامی و تروریستی برای نیروهای داخلی و نیابتی خارج از کشور هزینه میکنند. در اوضاع نابسامان اقتصادی اکنون و در شرایطی که کل جهان درگیر همه گیر شدن بیماری کرونا شده است و هر کدام از کشورها سعی در نجات جان شهروندان جامعه خود را دارند و با ایجاد تهیدات و راهکارهای مناسب سعی در کنترل اوضاع دارند ملت خود را از نظر روانی و مالی ساپورت میکنند و امکانات در قرنطینه ماندن و رعایت تمام پروتکل های بهداشتی را در اختیار شان قرار میدهند و حتی بعضا به ازای هر نفر به حساب آنها واریز میکنند، جمهوری اسلامی هم با شعار توخالی در خانه بمانیم مردم را به درخانه ماندن تشویق میکرد و حالا با همان بی منطقی و بی مسئولیتی خواهان رفع قرنطینه است چرا که مردم برای آنها اصل نیست بلکه حفظ خود و منافع دولتشان هدف است. در زمان اوج قرنطینه نیز اما ادارات و کارخانه ها باز و بخش زیادی از کارگران و کارگران فصلی و دست فروشها و کودکان کار و... در خیابانها و محل کار خود بودند و فاجعه انسانی در قم و تهران و شهرهای شمالی ... روی داد و دولت با تهدید افراد و کادر پزشکی آنها را مجبور به تحریف امار فوتی ها و مبتلایان کرد.

و حالا بعد از چند هفته که با این شرایط اقتصادی توانایی تعطیلی بنگاههای اقتصادی و ... نداشته و مردم به اجبار باید به محل کار خود مراجعه کنند چه سرنوشتی باید در انتظار مردم بی دفاع در شهرهای کرونا زده باشد. و حالا با مژده دادن وام (میلیونی تقریباً ۶۵ دلار) با بهره ۱۲ درصدی به هر خانواده ورقه ای دیگر به پرونده جنایات و سواستفاده دولتمردان و اخوندها از زندگی مردم اضافه شد. درست در نقطه ای که فشارهای حداکثری حلقه ی محاصره ی اقتصاد بسته ی ایران را به قهقهرا برده بود و میزان نارضایتی مدنی و اجتماعی به حد اعلا ی خود رسیده بود این فرصت برای سران رژیم جمهوری اسلامی چون تنفسی دوباره غنیمتی باور نکردنی بود چرا که با گرفتن امتیازات از چین در عوض همکاری چند صباحی بیشتر میتوانند به حیات فلج سیاسی خود ادامه دهند.

در رژیم فاسد ایران از سال ۵۷ به بعد مردم جز دروغ، تزویر، جنگ ۸ ساله و جنگ های نیابتی منطقه ای با پول و مال ایرانیان چیزی ندیده اند. و هر دو جناح تنها فرآخور زمان و شرایط به نفع خودشان و نه مردم پوست اندازی کرده اند. و این روند ولایت محور نه تنها بانی

مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفتگو با چند فعال ...

در ایران با حکومتی مواجه هستیم که با شیوه های مختلف ارامش را از مردم سلب کرده است ما برای آنها نه به عنوان انسان که مانند یک ابزار بی روح و بدون اراده در خدمت بقای حاکمیت ضد انسانی و خرافاتی شان باید عمل کنیم. چکار میتوانیم بکنیم؟ جواب سر راست است، ما شینشان نباشیم، اراده و انسانیت و قدرت و اعتماد بنفس خودمان را بشناسیم و آنرا باز یابیم. آنها میگویند پایان قرنطینه ما بگویم غلط میکنید ما باید زنده بمانیم خودتان بروید کار کنید. نوبت شما مفت خورها است. ما کارگران و انسانهای زحمتکش و کارکن باید در منزل بمانیم خودمان را حفظ کنیم و شما حکومت چی ها باید برای ما حقوق و غذا بیاورید، همان حقوق و غذای که محصول سالها کار خودمان بوده و شما دزدیده اید، آنرا لطفاً برای این چند ماه به خودمان برگردانید. برای این سرویسا هم از پولهای ما برای خودتان حقوق بردارید!

می پرسید مردم چکار باید بکنند، همین که گفتیم باید انجام داد، چاره دیگری نداریم. ما نمیخواهیم بیشتر از این زندگی و حرمت و حقوقمان پایمال شود. و در نهایت و بعد از عبورمان از این بلای کرونا باید به جان و بیروس جمهوری اسلامی نیز به افتیم و تکه پاره ش کنیم. من فکر میکنم تنها راه رهایی از دست حکومت قرون وسطایی شروع اعتراضات بزرگ سراسری و قیام مسلحانه است با رهبری احزاب و رهبران کارگر و سوسیالیستی است. دیر یا زود مجبور میشویم این راه را انتخاب کنیم.

مینا تهرانی: دوران کرونایی در رژیم بمراتب خطرناکتر از کرونا برای ما ایرانیان دوره بسیار سختی است. ضرب المثلی در زبان فارسی داریم چه خوش گفتند، همیشه سنگ بدر بسته میخورد!! در سالی که مردم میتوانستند با شوق بهبودی رو به جلو و پیشرفت در تمام عرصه های فرهنگی، اجتماعی، هنری و سیاسی که همه مثل زنجیر بهم متصل و موجب پیشرفت و تلاششان را گسترش بدهند، کرونا و نظام کرونای سرمایه داری و اسلام این سال به سالی بسیار بدی برای ما تبدیل کرده اند. امروزه به لطف جنایتها و خیانت و چپاول و حق کشی ها به نام دولت و دین و مذهب چه بر ما آمده بر کسی پوشیده نیست.

اما ظلم مضاعفی که همیشه بر کارگر و کسانیکه با دستان خود موجب تولید کار و ثروت و پیشرفت صنعت شده و میشوند بیش از هر کسی اعمال میشود. حالا حضرات دولت جمهوری اسلامی و شورایی عالی کار با تصویب ضد انسانی ترین تعیین حقوق کارگران با توجه به نرخ تورم با چه معیار و مبنایی مبلغ یک میلیون و ... یعنی با ۲ میلیون هم نرسیده با این حقوق و در این دوره خانه نشینی و اجاره منزل و تمام هزینه های جانبی که همه از آن آگاه هستیم و با قیمتهای چند برابری ۲ سال اخیر را نمیگویم همین چند ماه اخیر از گرانی بنزین و حوادث یکی پس از دیگری و خسارتهای در خانه ماندن و اقساط عقب افتاده و پرداخت قبوض و ... چگونه میتوانیم زندگی کنیم. اما یک سوال ذهن همه را درگیر کرده با یک میلیون وام چقدر جبران خسارت خواهد شد این بیشتر به یک جوک بی مزه شباهت دارد. آقایان مسئولین نامحترم مردم را در یابید نقدینگی هایی که مال خود ما است و اکنون به تملک خود در آورده اید به ما بازگردانید.

ادامه

پولدارها و اخوندهای جنایت کار سلامتی مردم برایشان مهم نیست آنها به فکر منافع و اقتصاد خود هستند. مردم از فشار گرسنگی و تنگدستی مجبورن به سر کار بروند چون از طرف دولت حمایت مالی نمی شوند. سران حکومت و اخوندهای دزد میخوانند وام یک میلیونی برای یارانه بگیر ها واریز کند. در هر ماه ۴۷ هزار تومان قسط و در مجموع حدود ۱۲۹ هزار تومان سود باز پرداخت شود. تو این بحران کرونا یک میلیون (۷۰ دلار) وام به مردم میدهند انهم تازه می خواهند پس بگیرند بعد سودش را هم میگیرند. در کمال بی شرمی میخوانند سود و بهره از وام کرونا از مردم بگیرند. در این اوضاع احوال ویروس کرونا و کشتار و الودگی مردم باید خودشان عاقلانه و مسئولانه تر اقدام کنند و از خود و خانواده هایشان مراقبت کنند و از خانه هایشان بیرون نیایند تا باعث مرگ خود و عزیزانشان نشوند. بنظر من تنها راه که در پیش داریم سر پیچی از دستورات جمهوری اسلامی، سر کار نرفتن و همزمان و از هر امکانی و طریقی باید فشار خودمان را به حکومت افزایش بدهیم و مجبورشان کنیم هزینه و حقوق دوره قرنطینه مان را بپردازند و حق بیکار سازی و اخراج کردن هم نداشته باشند.

آنر کیمیا: اوضاع ایران چه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و چه از

لحاظ گسترش ویروس کرونا در سال ۹۹ بحرانی تر شده و باز هم بیشتر بحرانی خواهد شد. حکومتها را با اعمالشان باید ارزیابی کرد. اعمال حکومت اسلامی نه حالا که ۴۱ سال است برای ما ارزیابی شده است: یک نظام سرکوبگر و جنایتکار، خرافی، دزد و حامی سرمایه داران و استثمار کنندگان و حکومتی که حتی بلاهای طبیعی و جنگ و اوراگی را یک نعمت و واسطه ای برای تداوم همین شکل از حکومت کردن بکار گرفته است. منظور روحانی رئیس ج.ا. از کارمندان دولتی چه سر کار بروند چه نروند حقوقشان پرداخت می شود باز گویای ماهیت چنین حکومتی است. منظورشان



کدام کارمندان است؟ اگر منظور کارمندان و مقامات و جیرخواران دوربر خودشان است خوب بحثش جداگانه است و آنها همیشه حقوق و پولی که هیچ زحمتی برای بدست آوردنش نکشیده اند به موقع دریافت کرده اند. در نتیجه میماند بقیه مردم کارگر و کارمند و فرهنگی و پرستار و سالمندان و بازنشستگان و کارگران زحمتکش شهرداری و ساختمانی و غیره که اینها هم همیشه حقشان پایمال شده است و امروز هم در معرض ویروس کرونا قرار دارند و تلفات می دهند و هم تحت فشار و استثمار دولت و کارفرمایان کشور قرار گرفته اند. ادعای خود دولتمردان، سرمایه داران روشنفکران حامی دولت و احزاب گوناگون آنها این است که حکومتها (حکومت آنها) برای این ایجاد میشوند چون مردم به دولت و حکمران احتیاج دارد و مردم خودش انرا انتخاب میکند و دولت برای این است که مردم دغدغه ای امنیت و رفاه و اسایش و ارامش را نداشته باشند و بتوانند با کار روزانه به تهیه نیازهای زندگی خود همچون خوراک و پوشاک و مسکن بپردازند و با خاطری آسوده زندگی کنند. این دروغ بزرگ را متأسفانه به باور بخش زیادی از مردم هم تبدیل شده است، در حالی که حکومت اسلامی نه هیچ شباهتی با این تصویر و تعریف فریب کارانه ندارد که یک مافیای وحشتناکی است که بر ما با زور حکومت میکند.

نگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیانش!

گفتگو با چند فعال...

شما می پرسید چکار باید بکنیم؟ ما هم می گویم که مردم برای گرفتن حق خود نباید گدایی و التماس کنند !! ما باید هم حق ماندنمان در منزل و قرنطینه خود تا رفع خطر کامل ویروس کرونا را داشته باشیم و هم حق دریافت حقوق و همه هزینه های زندگی بدون هیچ ترفند و وعده وعیدهای دروغین حکومتیها. این وظیفه این دولت نامستول و زورگو است، باید از شون بگیریم. یا مجبور میشویم که بریزیم بیرون تا سرنگونی همه این سیستم فاسد به عقب بر نگردیم و همه انبارها و داراییهای دولتی را مصادره کنیم. امروزها سر کار رفتن کارگران و کارکنان، آن هم در شرایطی که مفت خوران دولتی در خوشگذرانی و منزل و هتل ها و تفریحگاههای مخصوص "قرنطینه" هستند، و تنها چیزی که نمی فهمند بی پولی و گرسنگی است! ساده لوحی ما خواهد بود این مسائل واقعی را نادیده بگیریم و خودمان به استقبال مرگ برویم. مردم بیانیید با هم یکدست جواب این حکومت را ندهیم و یکدست حقمان را با زور از آنها بگیریم!

زنده باد آزادی، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران. بر قرار باد پرچم جمهوری سوسیالیستی ایران



ظاهر مطهر: ناقوس مرگ کاپیتالیسم به صدا در آمده است. جمهوری اسلامی سرمایه داران حاکم بر ایران هم جدا از این شرایط جهانی و بحران کاپیتالیستی نیست. اوضاع ایران و پیامدهای ویروس کرونا البته میتواند به مراتب بحرانی تر و پیچیده تر و سخت باشد زیرا با یک حکومت پیچیده و هزار و تروریست که همزمان با تنفر همگانی مواجه است مواجه هستیم.

سخنان حسن روحانی بخشی از این تلاش در باطل فرود رفته بحران سرمایه داری و ناتوانی شان در حل بحران یک ویروس کشنده است. اگر از چشم منافع اقتصادی سرمایه داران و حفظ بقای دولت اسلامی نگاه کنیم تصمیم دولت روحانی برای رفع قرنطینه درست هست. و اینکه گفته میلیونها انسان میمیرند باز از زاویه منافع همین دولت مسئله مهمی نیست. نجات چنین حکومتی بدون قربانی کردن چند میلیون و رها کردن آنها در مقابل ویروس کرونا نمیتواند اقتصاد شکست خورده کشور را نجات دهد. اما این هدف و این سیاست از زاویه ما انسانها یک سیاست و هدف کاملاً ضد انسانی است، نشان می دهد که هم سرمایه داری و هم دولت آن سیستم تا چه اندازه با حق اولیه حیات انسانها در تضاد قرار دارد.

خلاصه بگویم: من از تمام کارگران تقاضا می کنم در خانه بمانند و با سلامتشان ضربه مهلکی به دولت ضد بشری جمهوری اسلامی وارد کنند. نگران اقتصادی که سودش به جیب سرکوبگران میرود نباید بود. چون در هر صورت کارگران سهمی از این اقتصاد ندارند، هر چه اقتصاد جمهوری اسلامی ضعیف تر باشد، قدرت سیاسی و نظامی کوچک تری برای سرکوب کارگران دارد. در خانه ماندن و کار نکردن در این روزها هم حکومت را ضعیف هم جان شما عزیزان را محافظت میکند. جمهوری اسلامی سر سوزنی برای جان انسان ها ارزش قائل نیست. هنوز کشته ها آبان و ماجرای سقوط هوا پیم را به خاطر داریم.

کارگرانی که ساعات پایانی سال هم سرکار بودند، کارگران روزمزد، قشرهای آسیب پذیر جامعه، کارگران ساختمانی، بخش خدماتی، مشاغل خانگی، دستفروش ها مسافرخش ها، تعمیرکاران، نظافت چی ها و... با آسیب جدی روبرو شدند. در حالی که بسیاری از اینها مشمول خدمات بیمه ناموجود این حکومت ضد کارگری هم نیستند.

این حکومت حتی کمک های مردمی را در انحصار خود قرار داده و آن را در بازار سیاه به فروش میرساند. راه حل درست ادامه به زندگی کردن در قرنطینه به ویژه از جانب کارگران و زحمتکشان و نگهداری از جان خود و در عین حال باید یکصدا از دولت بخواهیم که هم حقوق و هم غذای قرنطینه شدگان را پرداخت و تامین کند.

به این امید با کمترین تلفات انسانی به زودی سالم و تندرست از زندگی در قرنطینه و مخاطرات ویروس کرونا به پایان بیاید و مبارزه سراسری و محکمی علیه این حکومت فاشیست راه به اندازیم و انتقام این همه جنایت را بگیریم.

زنده باد واحدهای مقاومت انقلابی!

کسانی که اعتراض و اعتصاب و مطالبه حق طلبانه کارگر و زن و جوان و مردم آزادیخواه را با تجاوز و باطوم و تفنگ و قمه و شکنجه و ترور جواب میدهند باید از جانب جامعه پاسخ درخورتری بگیرند. آنهاست که به دستور یکی از فاشیستی ترین و قاتل ترین دولتهای فاسد جهان امروز سرمایه داری، و بنا به "قوانین" دوران وحوش، و بخاطر مقداری پول کثیف به چنین اعمال جنون آمیز و جنایتکارانه ی نسبت به شهروندان و هموعان خود رفتار می نمایند سزاوار شدیدترین مجازاتها هستند. اقدام برای مجازات انقلابی-توده ای این مزدوران وحشی عادلانه ترین شکل برخورد جامعه علیه آنهاست، و بدون تردید باید آنرا در همه نقاط کشور به اجرا گذاشت!

مردم آزادیخواه!، جوانان!

در هر جایی که هستید برای دفاع از خود و شهروندان در "واحدهای مقاومت انقلابی" خود را سازمان بدهید و متشکل شوید.

برای همفکری و راهنمایی های لازم با آدرس مایلهای زیر میتوان تماس گرفت:

S_zijji@yahoo.se

Iransocialist2017@gmail.com

همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

اطلاعیه سلام زیجی

جهت اطلاع عموم
و درخواست همیاری و همفکری

به اطلاع میرسد بعد از تاخیر بسیار زیادی تصمیم گرفته ام در چند ماه آینده، با بدست آوردن فراغت و فرصت کافی، شروع کنم به بازگو کردن تاریخ مملو از فراز و نشیب زندگی سیاسی و مبارزاتی خود و جریاناتی که در آن فعالیت داشته ام. از نیمه دوم دهه پنجاه تا اوایل دهه نود شمسی. با این امید در قدم بعدی آنرا بطور مکتوب نیز در اختیار هم جنبشها و هم طبقه ی هایم، نسل جوان، و جامعه تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت قرار دهم.

یک عمر زندگی و حضور فعال در جنگهای پارتیزانی و مبارزه سیاسی و اجتماعی در زمان کومله و حزب کمونیست قدیم، تا دوره حزب کمونیست کارگری و حزب حکمتیست سابق و رویدادهای مربوط به دوره ی که گارد آزادی وجود داشت، و تا امروز که در حزب سوسیالیست انقلابی ایران فعالیت دارم، تا جای که حافظه ام اجازه بدهد تلاش خواهم کرد مهمترین مسائل و رویدادهای این دوره تاریخی (به اضافه دوره ۱۴-۱۵ ساله دوران کودکی و نوجوانی ماقبل شروع فعالیت سیاسی ام) را بازگو نمایم.

اما برای ارائه یک تاریخ شفاهی و اربعینانه و گرفتن درسهای آموزنده از آن برای جنبشمان به کمک شما علاقمندان نیاز مبرم دارم. برخی از این تاریخ مهم متأسفانه از خاطره هایمان پاک شده اند، امامیتوان با یاد آوریهای شما و با دخالتگری و کنجکاوی و طرح سولات متعدد علاقمندان آنرا مجدداً زنده کرد و به ارائه هر چه بهتر و مستندتر قلب حقیقتها برای همه مبارزین راه آزادی و برابری و سوسیالیسم کمک کرده و از آن درسهای گرانبهائی برای جنبشمان استنتاج کرد.

در این راستا لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱- در شرایط کنونی مخاطبین این تاریخ نگاری کلیه کسانی هستند که میتوانند به زبانهای فارسی و کردی یا یکی از آنها صحبت کنند. در هر حالتی، ضروری است فوری آنرا به زبان دومی نیز ترجمه و مکتوب کرد. شما چه پیشنهادی دارید؟ با کدام زبان ارائه شود؟ آیا دوستانی هستند در این زمینه کمک کنند؟ (و بدون تردید جبران زحماتشان را خواهیم کرد!)

۲- آیا بنظر شما بهتر است که این بحثها (که به احتمال ۷ تا ۱۰ بخش خواهد شد) به شکل برنامه زنده در شبکه های اجتماعی ارائه شوند یا از قبل در قالب گفتگو آنرا ضبط و بعداً در اختیار عموم قرار بگیرد؟ در هر دو حالت از دوستان عزیز می توانستند امور فنی-تکنیکی آنرا به عهده بگیرند قدر دانی کرده و لطفاً به منظور هماهنگی با من تماس بگیرند.

۳- لطفاً توجه کنید: از همه علاقمندان به آن تاریخ می خواهم هر نوع سوالی و یا هر موضوعی که برایشان مهم است و به شخص من و مسئولیتها و فعالیتها، به رویدادهای سیاسی و سازمانی و نظامی هر یک از سازمانهای که در آنها حضور داشته ام ربط مستقیمی دارد و برایشان حائز اهمیت است، لطفاً بدون درنگ کتاب برایم بفرستند با کمال میل خواهان شنیدن و دریافت آنها هستم. متعهد میشوم بجز بیان حقیقت هیچ پاسخی از من شنیده نخواهد شد!

۴- در جریان این تاریخ نگاری، که بخش مهمی از آن به مسائل ویژه دوره فعالیت نظامی نیز بر میگردد، بگونه ای که من از آنها مطلع یا سازمانده و فرمانده اش بوده ام، چنانچه کسی نمیخواهد در جریان بازگو کردن آن تاریخ و "خاطره ها"، اسمی از او برده شود یا بر عکس مشکلی برای اسم بردنش ندارد، حتماً به من اطلاع بدهد.

۵- برای شروع عملی این پروژه یک تاریخ خاصی مورد نظر است، با نزدیک شدن به آن زمان حتماً اطلاعات بیشتری در اختیار عموم قرار خواهم داد. از حالا تا آن وقت، از هر پیشنهاد دیگری در این راستا و از جانب هر دو نسل قدیم و جدید، موافقین و مخالفین و هر انسان کنجکاو به تاریخ مبارزاتی من و ما از سال ۵۷ به اینسو صمیمانه استقبال میکنم.

این موضوع هر چند در باره تاریخ یک نسل، یک جنبش و از منظر کارگری-سوسیالیستی خواهد بود، اما یک اقدام فردی و ربطی به مصالح و منافع هیچ حزب و جریان خاصی ندارد. از اینرو از همه درخواست میشود که بدون در نظر گرفتن این نوع ملاحظات و مرزبندیهای سیاسی-سازمانی و شخصی، تنها به منظور کمک به در دسترس قرار دادن حقایق و نقاط قوت و ضعف یک تاریخ گرانبهائی، که به تک تک همه ما و نسل آینده مربوط است، از همکاری کردن کوتاهی ننمایند. لطفاً تنها از طریق آدرس ایمیل یا دیگر پیامهای خصوصی مسائل خود را در این باره برایم بفرستید.

با سپاس بسیار فراوان!
سلام زیجی

s_zijji@yahoo.se

۱ اردیبهشت ۱۳۹۹

۲۰ آوریل ۲۰۲۰



اطلاعیه در محکومیت حمله جنایتکارانه ترکیه به کمپ پناهندگان مخمور در کردستان عراق

دیروز چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۹، ساعت یک و ده دقیقه بوقت اربیل هواپیماهای ارتش ترکیه، بطور وحشیانه ای کمپ پناهندگان در مخمور را در غرب شهر اربیل بمباران کردند. در جریان این حمله جنایتکارانه تعدادی از ساکنین این کمپ جانباختند و شماری نیز زخمی شدند. این اولین بار نیست که دولت جنایتکار ترکیه کمپ پناهندگان را در این منطقه بمباران میکند و دهها انسان بیدفاع از کودک و پیر و جوان را کشتار میکند. این جنایت افسارگسیخته باید متوقف شود!

حزب سوسیالیست انقلابی این جنایت دولت فاشیست ترکیه را قویا محکوم میکند. ما همچنین سیاست دولت ارتجاعی حکومت عراق و اقلیم کردستان را به شدت محکوم نموده و سکوت و عدم مقابله آنها به خاطر منافع حقیر خود، که عامل تداوم این نوع جنایت از سوی دولت فاشیست ترکیه بوده است، به شدت محکوم مینماییم.

ما همدردی عمیق خودمان را با بازماندگان قربانیان این حمله هوایی جنایتکارانه ترکیه اعلام کرده و خواهان مسئولیت پذیری کمساریای پناهندگی و "حکومت اقلیم" در حمایت از پناهندگان و مقابله با جنایات ترکیه هستیم.

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران
۲۸ فروردین ۱۳۹۹
۱۶ آوریل ۲۰۲۰

لینک گفتگوها در باره:

- دستمزد بردگی سال ۹۹

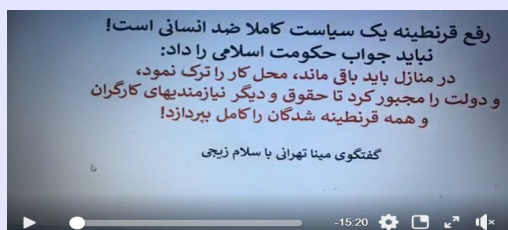
- رفع قرنطینه توسط جمهوری اسلامی

- تحویل دادن و اعدام مصطفی سلیمی

<https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3460777597270802/>

نه به تحمیل حداقل دستمزد بردگی
و ضد کارگری سال ۹۹ به طبقه کارگر!
گفتگوی مینا تهرانی با سلام زیجی

<https://www.facebook.com/salam.zijji/videos/3467701236578438/>



مصطفی سلیمی با همکاری جمهوری اسلامی و "حکومت کوردی" اعدام شد!

با کمال تأسف، مصطفی سلیمی، زندانی سیاسی که توانسته بود از زندان مخوف جمهوری جنایتکار اسلامی فرار کند، و خود را به عنوان پناهنده سیاسی تحویل "حکومت اقلیم" و "هم زبان" خود، در مرز پنجوین در کردستان عراق داده بودند، در اوج وقاحت به جای پناه دادن به ایشان، از جانب نیروهای امنیتی اتحادیه میهنی بازداشت و دست بسته تحویل جمهوری اسلامی داده میشود، و این حکومت جانی و آدمکش نیز صبح امروز ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ جانش را گرفت.

مصطفی سلیمی، ۵۳ ساله و اهل روستای ایلوی در حومه شهر سقز، ۱۷ سال حکم زندان در جمهوری اسلامی گرفته بود. اخیرا به دنبال اعتراضات زندانیان، همراه با تعدادی دیگری از ترس و بیروس کرونا و مرگ دست به فرار میزنند و در نهایت به دام ویرسهای مرگ اور دیگری افتاده و از نو به زندان برگردانده میشود. بعد از سه روز تحویل دادن مصطفی از جانب نیروهای خود فروخته اتحادیه میهنی به جمهوری اسلامی، این حکومت وحشی بدون درنگ او را اعدام میکند.

حزب سوسیالیست انقلابی اعدام جنایتکارانه مصطفی سلیمی را قویا محکوم میکند، ما همزمان اتحادیه میهنی و "حکومت اقلیم کردستان" را شریک این جنایت دانسته و اقدام آنها را نیز به شدت محکوم نموده و از همه مردم آزادیخواه، نیروهای مترقی و به ویژه از مردم کرد زبان در کردستان ایران و عراق میخواهیم علیه این جنایت و اقدام شنیع اعتراض نموده و انزجار و نفرت خود را اعلام نمایند.

حزب سوسیالیست انقلابی به زندانیان هم بند و خانواده و دوستان مصطفی سلیمی تسلیت گفته و خود را شریک غم و اندوه ناشی از این واقعه درد ناک میدانند.

نه به اعدام!

همه زندانیان سیاسی باید آزاد گردند!
نگ و نفرت به همکاران و مزدوران جمهوری اسلامی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

دفتر مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۲۳ فروردین ۱۳۹۹ - ۱۱ آوریل ۲۰۲۰

<https://www.facebook.com/salam.zijji/posts/3465456676802894>



سکرتیری حزبیکی روژهلالت:
ئهوهی سهلیمی پادهست کرد
بکوژی سه رهکیه

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.



پیام سلام زیجی به مناسبت اول مه ی، روز جهانی کارگران

رفقا و همرزمان!

فرا رسیدن روز جهانی طبقه کارگر را به همه شما کارگران و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب تبریک میگویم. به این امید، در کنار ضرورت عبور کم مشقتر از ویروس کرونا، با تلاش و مبارزه متحد کارگری و سوسیالیستی بتوانیم سال جاری را به سال بهتری برای خود و جامعه تبدیل کرده و بیش این اجازه به تعرض لجام گسیخته سرمایه داران و دولت فاشیست و ضد کارگری جمهوری اسلامی داده نشود. به این امید جامعه با تمام قدرت از اول مه و از مبارزه طبقه کارگر حمایت کند.

در روز جهانی کارگر، کمونیستها و کارگران به همراه مردم آزادیخواه و برابری طلب متحدانه به میدان میآیند تا یکبار دیگر شرط اول دستیابی به آزادی، رفاه، برابری، سعادت، و خوشبختی انسان، و همچنین شرط اول پایان دادن به تروریسم و تحمیل جنگهای ویرانگر و کشتار جنایتکارانه مردم و پایان دادن به استثمار و حشیانه کار مزدی را تنها با پایان دادن به عمر فاسد نظام حاکم سرمایه داری و تمام ارکان ایدئولوژیکی، فرهنگی، اخلاقی، و خرافی آن را اعلام کنند.

در این روز اعلام میکنیم که تنها با پیروزی طبقه کارگر و کمونیسم این هدف متحقق خواهد گردید. در روز جهانی کارگر با صدای رساتر اعلام خواهیم کرد که برای تحقق این اهداف والای انسانی کل طبقه کارگر و صف آزادیخواهان باید متحدانه به میدان بیایند و در حزب سوسیالیستی و کارگری واقعی خود متحد شوند و پرچم کمونیستی مارکس را بیش از پیش بر افراشته تر نگاهدارند.

انسانها باید و حق دارند از امنیت، رفاه و همه آزادیهای سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند. برای اینکه بتوان امنیت، آزادی، رفاه همگانی و در شان انسان را متحقق کنیم باید نظام اجتماعی حاکم، و نظامی که با آزادی و برابری و رفاه همگانی در تناقض قرار دارد و با فلسفه وجودی آن همخوانی ندارد با انقلاب کمونیستی و با قهر قیام کارگری و ارتش توده ای سرخ آزادی به زیر کشیده شود!

گرامی باید یاد عزیز همه کارگران جانباخته در میدانهای غیر انسانی کار مزدی نظام مرگ و جنون جمهوری اسلامی و سرمایه داران انگل!
درود های کارگری و انقلابی میفرستم برای همه فعالین عزیز در بند و خواهان تلاش گسترده برای آزادی فوری آنها هستیم!
دست همه فعالین و رهبران دلسوز و سوسیالیست جنبشمان را به گرمی میفشارم، و آرزومندیم بیش از پیش برای امر سرنوشت ساز تامین اتحاد طبقاتی و سوسیالیستی و تشکل یابی توده ای طبقه و جنبشمان تلاش نمایند!

مرگ به سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!، زنده باد سوسیالیسم!

اول ادریبهشت ۱۳۹۹-۲۰ آوریل ۲۰۲۰



اخراج و بیکار سازی موقوف!